

آیه ۱۲۱
سوره عمران تا
تقریباً آخرین سوره
در باره جنگ احد
است

«جنگ اُحد»

محل نبرد: دامنه ی کوه احد
فرمانده لشکر مسلمانان: پیامبر اکرم (ص)
فرمانده لشکر کفار: ابوسفیان

ابوسفیان بن حرب

از بازرگانان معروف و بزرگان
قریش در زمان پیامبر اکرم
و همچنین پدر معاویه بود
در بدو شروع دعوت محمد
(ص) به اسلام، از مخالفان
سرسخت اسلام بود و در
جنگ های بدر، احد و خندق
در مقابل مسلمانان جنگید.
اما پس از فتح مکه شهادتین
را خواند و آیین محمد (ص) را
پذیرفت

کوه احد

کوهی در نزدیکی مدینه
است. پیامبر ابتدا قصد داشتند
در داخل مدینه به جنگ با
کفار بپردازند اما پس از مشورت
با یاران، جنگ را در خارج از
شهر انجام دادند

نیمه کنده
بهاره آریان



«علت وقوع جنگ»

مشرکان به منظور جبران شکست از مسلمانان
در جنگ بدر و انتقام خون کشته شدگانشان
تصمیم گرفتند جنگ دیگری از سر گیرند.
ابوسفیان توانست نظر برخی دیگر از قبایل
عرب را برای پشتیبانی از ایشان و تهیه ملازمات
جنگی جلب کند

عموی پیامبر، عباس بن عبدالمطلب، طی نامه
محرمانه ای پیامبر و یارانش را از لشکرکشی
کفار مطلع می سازد. با این حال، مسلمانان
زمانی متوجه این حرکت کفار می شوند که
سپاه کفار از مکه خارج شده است

آمده است که گروهی از اصحاب پیامبر شب تا
صبح آن روز را به پاسداری از مدینه، علی الخصوص
مسجد و خانه ی پیامبر گذراندند. پیامبر «ص»
حباب بن منذر را برای بررسی وضعیت دشمن
فرستادند. صبح روز بعد، طی جلسه ای با مشورت
اصحاب پیامبر تصمیم بر این می شود که جنگ
را به خارج از شهر ببرند





سپاهیان اسلام در مسیر احد در محلی به نام شیخان فرود می آیند. پیامبر «ص» از سپاه بازدید می کنند و افراد یهودی هم پیمان با عبدالله بن ابی و اکثر نوجوانان را به مدینه باز می گردانند. لذا از جمعیت جنگجویان مسلمان تنها ۷۰۰ نفر باقی می ماند.

سپس از نزدیکی سپاه دشمن که در دامنه ی احد مستقر بودند عبور کرده و در شعبی از آن توقف می کنند. پس از خواندن نماز صبح، پرچم سپاه را بالا برده و نیروها را در جای خود مستقر می کنند.



پیامبر «ص» سپاه خود را به گونه ای مستقر کردند که کوه احد در پشت سر، شهر مدینه در مقابل و کوه عینین (جبل الرماة) در سمت چپ ایشان قرار داشته باشد. همچنین برای جلوگیری از حرکت دشمنان از میان کوه عینین و احد و حمله به مسلمانان از سمت عقب، عبدالله بن جبر را به همراه ۵۰ تیرانداز به بالای کوه عینین میفرستند و می فرمایند: اگر ما دشمن را شکست دادیم و به لشکرگاهشان وارد شدیم یا دیدید که کشته شدیم، هرگز این کوه را رها نکنید.



مشرکان نیز از اهمیت مسیر بین احد و جبل الرماة به خوبی آگاه بودند. لذا ۲۰۰ نفر را به فرماندهی خالد بن ولید مامور می کنند که با آغاز جنگ، در زمان مناسب از آن مسیر حرکت کنند و از پشت سر به سپاه مسلمین حمله کنند. ولیکن خالد بن ولید و یارانش با تیراندازهای کوه جبل الرماة مواجه می شوند و متوقف می شوند. طلحة بن ابی طلحة اولین کسی است که از سپاه مسلمانان حریف می طلبد و به دست علی بن ابی طالب کشته می شود. جنگ شروع می شود.

علل شکست مسلمانان

۱

در خلال پیروزی مسلمانان بر لشکر کفار، ناگهان اوضاع به نفع مشرکین تغییر می کند. رزمندگان مسلمان به جای پیروی از دستور پیامبر و تعقیب کفار تا پیروزی نهایی، دست از جنگیدن می کشند و به جمع آوری غنایم مشغول می شوند. تیراندازان کوه جبل الرماة نیز که اوضاع را چنین می یابند، از سنگر حساس خود خارج می شوند که از قافله عقب نمانند. خالد بن ولید و همراهانش که جبل الرماة را تحت نظر دارند، با مشاهده ی تیراندازان به آنان حمله کرده و عبیدالله بن جبیر و همراهانش که کمتر از ۱۰ نفر بودند را به قتل می رسانند و از پشت سر به مسلمانان حمله می کنند.



۶

آمده است که ۹ نفر دیگر یکی پس از دیگری پرچم را به دست می گیرند و به جنگ با علی ابن ابی طالب می روند اما همگی شکست خورده و به دست وی کشته می شوند.

با کشته شدن پرچمداران سپاه مشرکین، آرایش لشکرشان به هم می خورد. سنگ اندازی بین دو سپاه شروع شده، مسلمانان به قلب کفار می تازند و سپاهشان را درهم می شکنند.



۵

در برخی منابع نقل شده است مسلمانان تا آنجا پیش رفته اند که مشرکان را به اسارت گرفته و اموالشان را تصرف می کردند

علی شکست مسلمانان

۲



عبداللہ بن قمیثہ، یکی از سربازان کفار، یکی از محافظان پیامبر را به قتل می‌رساند و اشتباهن فکر می‌کند پیامبر را به قتل رسانده است. سپس فریاد می‌زند: «محمد را کشتم، محمد را کشتم!»
انتشار خبر قتل پیامبر منجر به افزایش روحیه ی دشمنان و همچنین تزلزل روحیه ی مسلمانان می‌شود. بسیاری از مسلمانان از میدان جنگ می‌گریزند و حتی به فکر بازگشت به دین پیشین خود و دریافت امان نامه از ابوسفیان می‌افتند. انس بن نصر فریاد می‌زند اگر محمد کشته شده، خدای محمد که کشته نشده است. اما بسیاری همچنان فرار می‌کنند. آمده است که رسول خدا افرادی را که به بالای کوه فرار می‌کردند را صدا می‌زدند که «من محمد هستم، من محمد هستم!» اما آنها همچنان فرار می‌کردند.



پس از خلوت شدن میدان کارزار و دور شدن سپاه کفار، پیامبر به همراه باقی مانده یارانشان علی الخصوص علی بن ابی طالب به دامنه کوه احد پناه می‌برند و بسیاری از همزمان ایشان که از نبرد گریخته بودند پس از دیدن ایشان ابراز پشیمانی و ندامت کردند. در برخی از منابع نقل شده است که پیامبر به همراه تعداد اندکی از باقی مانده یارانشان و در برخی دیگر آمده است که پیامبر به همراه تنها یارشان، علی بن ابی طالب از میدان نبرد بازگشته‌اند.

اما قطعن
در این میان، علی
ابن ابی طالب بود که در
تمام مدت و چه بسا در لحظات
طاقت فرسای جنگ همراه پیامبر بود.
آمده است که شمشیر علی در خلال این جنگ
شکست و پیامبر شمشیر خودشان، ذوالفقار
را به ایشان بخشیدند و فرمودند:
لا سیف الا ذوالفقار ولا
فتی الا علی

